

ارتش اطریش ژنرال کُرادُفن هتسندرف مأمور درهم شکستن روسها در گالیسی شد که ضربت را بسمت نارنو پُل - لامبرگ (Tarnopol-Lemberg) وارد سازد .
احاطه وسیع تمام ارتشهای روس از جانب دریای بالتیک و از سمت کارپات

روی اصول شلیفن بنا بود که در پروس شرقی بصورت احاطه مضاعف ارتش ۱۰ (نمان) روس در آید ، پهلوی راست ارتش مزبور مکشوف بوده و پهلوی چپش نیز بطور ضعیف تأمین شده بود چه ارتش ۱۲ هنوز تمرکز نیافته بود .

ولی مانور احاطه مضاعف ، چنانکه تجربه کامل ۱۹۱۴ نشان داد ، فقط در صورتی کامیاب میگردد که بغور ناگهانی اجرا شود . لذا هیندنبورگ بمنظور اجرای ناگهانی آن کلیه قوای را که جهت ضربت تخصیص داده شده بود متمرکز مینماید و مثل این بود که او قبلاً تأخیر آمادگی ارتش ۱۲ روس را پیش بینی کرده و بمحض رسیدن چهار سپاه اولیه بلادرنگ شروع بعملیات مینماید .

منظور آلمانها از تمام این مانور عبارت بود از تمرکز ارتش جدید ۱۰ (۳ سپاه و ۱ لشکر سوار) بین تیلزیت (Tilsit) و اینستر بورگ (Insterburg) تحت پوشش جنگلهائی که از طرف روسها اشغال نشده بود ، و سوق آن بمقبر سر ارتش ۱۰ روس در سمت ولادیسلاوو - کالواریا (Wladyslawow-Kalvaria) و بعد بطرفی که مقتضی باشد . قوای ضربتی دیگر مرکب از ۱/۲ سپاه و عدهای سوار نظام بنا بود که در جنوب دریاچه اشپردینگ ، تمرکز یافته و بطرف درای گورود - اوگوستوو (Raygorod-Augustowo) پیش روی نماید و در آنجا قرار بود که دایره محاصره را بر ارتش ۱۰ روس ببندد . و نیز بنا بود که جبهه نازکی پیش روی کرده و عملیات جناحین را مرتبط سازد . بنیان تمام عملیات آلمانها بر تمرکز مخفیانه قوا از نظر روسها و بر حمله ناگهانی قرار داشت و آلمانها بهر دو موضوع کاملاً نائل آمدند .

هیندنبورگ متعاقب عزیمت ارتش ۱۰ ، شروع بانتقال سپاه ها از ساحل چپ « ویستول » باین حدود نمود ، سپاه های مزبور بمنظور تقویت گروه « نارو » گالوینس (Gallwitz) و برای توسعه عملیات بعدی (در صورت اسیر شدن ارتش ۱۰ روس)

تخصیص داده شده بود . تا ۲۰ فوریه بجهت « اُرتلسبورگ - نیدنبورگ - سلدائو »
۳ سپاه دیگر با ضمام يك لشکر سوار و با بطوریکه لودندرف بیان میکند « لشکرهای
زیاد ، گسیل شده بود .

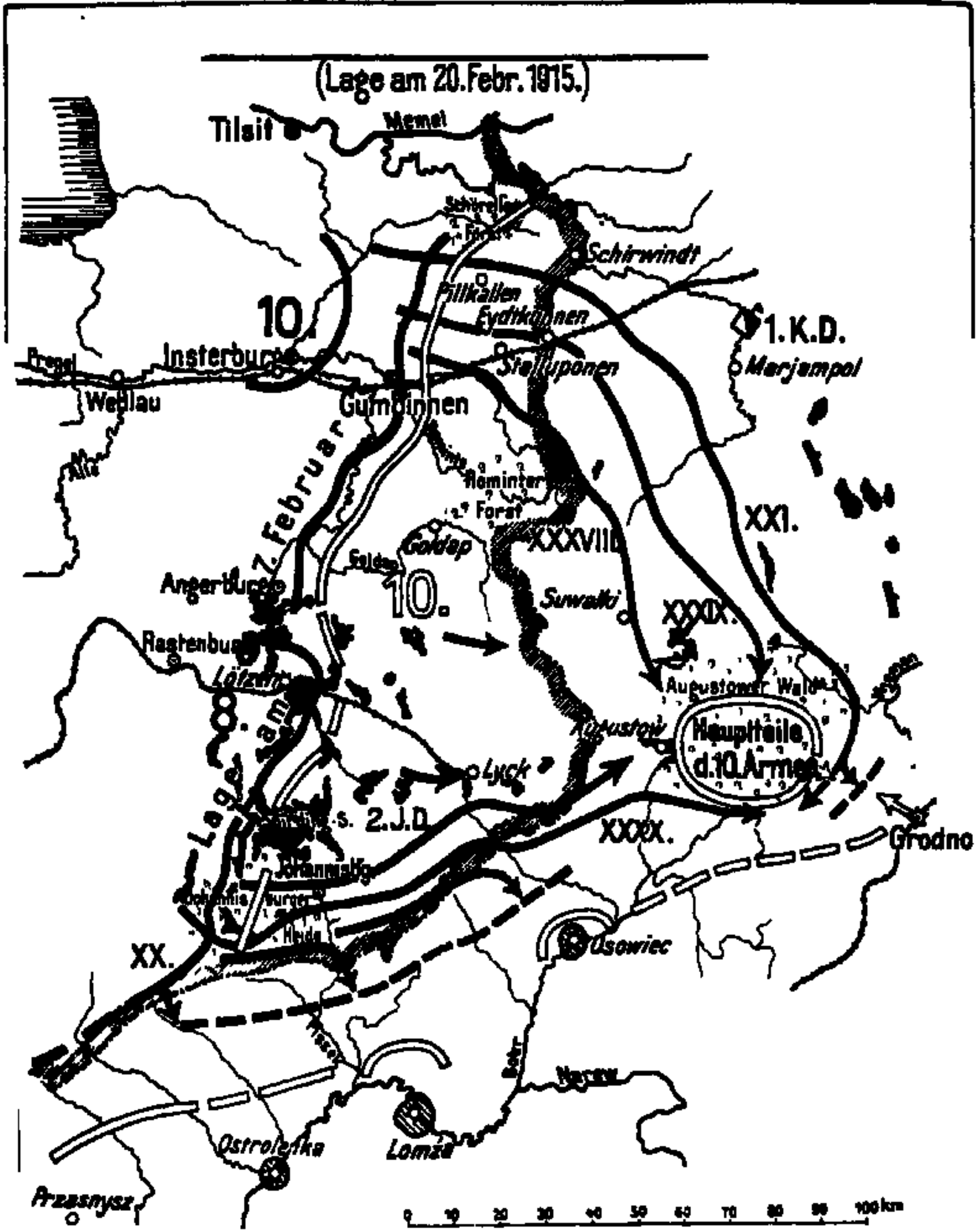
پس از متلاشی کردن قوای روس در پروس شرقی هیندنبورگ در نظر داشت که
ضربت را بجهت اُسونس - گروودنو (Ossovietz-Grodno) ، با گذاشتن
حائل در سمت کونو (Kowno) وارد سازد .

فرماندهی روس هیچگونه اطلاعی راجع بتمرکز نیروی آلمان نداشت و آغاز
تعرض آلمانها برای او کاملاً غیر منتظر بود . فقط روز دهم ، حقیقت امر برای
روسها مکشوف گردید یعنی موقعیکه ارتش آلمان جناح راست روسها را (سپاه ۳)
در نزدیکی ورژبولو (Werjbolow) به پشت نمان عقب راند . قوای جنوبی آلمان
بمراتب آهسته تر حرکت میکرد .

روز دهم ، پس از عقب نشینی سپاه ۳ ، تمام ارتش ۱۰ روس شروع بعقب نشینی
نمود ، نخست در نظر داشت که در خط ماریامپل - لیک (Mariampol-Lyck)
توقف کند ، روز ۱۱ برای ارتش مزبور خط کوووبو - لیک (Kowno-Lyck)
معین شد ، و روز ۱۳ ، در اثر پیشروی آلمانها ، مقرر شد که ارتش مزبور در خط
کوونو - اولیتا - سویونسکین - لپسک - اُسونس (Kowno-Olita-Sopockinie)
(Lipsk-Ossovietz) توقف نماید .

ولی روسها دچار وضعیت بسیار مشکلی گردیدند ، و بآلمانها مجال دادند که
سه روز وقت بدست بیاورند و در عقب نشینی خود بواسطه « کندی حرکت » بنهادرانتر
برف زیاد معطل گردیدند .

چون از آلمانها جلوگیری بعمل نیامد (فقط سپاه ۳ سبیری در نزدیکی
« لیک » مقاومت شدیدی نمود) لذا آلمانها در ۱۴ فوریه بخط « لیک - سووالکی -
سینی - کوپنسوو » رسیدند ، روز ۱۶ جنگلهای « اوگوستوو » را محاصره کردند ،
روز ۱۸ دایره محاصره را نزدیک « لپسک » بستند ، ولی هنگامی که ارتش ۱۰
روس از آن دایره خارج شده بود و در جهت « گروودنو - نوی دور - بودو کلی »



(مقابل صفحه ۲۵۸)

سرد زمستانی مازوری

(وضعیت در ۲۰ فوریه ۱۹۱۵)

تمرکز یافته بود ، فقط سپاه ۲۰ روس را آلمانها در جنگل محاصره کردند و سپاه مزبور پس از چند روز محاربات خونین نابود شد .

پیشرفت هیندنبورگ به همین اندازه محدود گردید ، زیرا که ارتش ۱۰ روس ، با آنکه در اثر بادی آب و هوا دچار لطمه گردیده بود ، معیناً محفوظ مانده و روز ۲۱ فوریه از سمت گروودنو (Grodno) اقدام بتعرض نمود . ارتش آلمان ناگزیر بود که بموضع مستحکم « اوگوستو - سین - کالواریا » (Augustowo) (Sein-Kalvaria) عقب نشیند .

آلمانها متوجه سمت جنوب گردیدند ، و در آنجا يك سلسله محاربات از اوسونس (Ossowitz) تا « ویستول » شروع شده بود .

چنانکه مسبقاً ، هیندنبورگ سمت « ناریو » را از نظر دور نساخته ، و متعاقب تمرکز ارتش ۱۰ ، سه سپاه نازه نفس و چند لشکر ، تا ۲۰ فوریه بآنحدود گسیل داشت . قوای مزبور قرار بود پس از نابود شدن ارتش ۱۰ روس ، تعرض خویش را در جبهه اوسونس - گروودنو (Ossowitz-Grodno) توسعه دهد .

از طرف دیگر ، فرماندهی روس نیز در نظر داشت ، چنانکه مسبقاً ، ضربت اصلی خود را از سمت « ناریو » وارد سازد ، لذا ارتش ۱۲ خویش را ، که در موقع عملیات بوسیله قوای احتیاط تقویت گردیده بود ، در آنحدود تمرکز میداد .

همینکه مانور هیندنبورگ و عقب نشینی ارتش ۱۰ روس بکنار « بوبرایا » (Bobr) مسلم گردید ، ژنرال روزسکی مصمم شد که در سمت « ناریو » ۱۲ سپاه تمرکز دهد ، در حالیکه ۳ سپاه در سمت « ملاوا » و ۱ سپاه در ناحیه « رزان - اوترلنکا - لوزا » و ۷ سپاه در ناحیه « گروودنو - سوکولکا - اوگوستوو » (Grodno-Sokolka-Augustowo) دارا بود . راست است که روسها در اینجا نیز نسبت به آلمانها تأخیر میکردند ، زیرا تمرکز آنها فقط در ۳ مارس ممکن بود خانمه یابد ، ولی هیندنبورگ در ۲۰ فوریه کاملاً آماده بود ، با این حال قسمت زیادی از قوای روس میتواند در يك موقع با آلمانها اتخاذ آرایش نماید .

مقصود هیندنبورگ در توسعه عملیات بعدی بر ضد ارتش ۱۰ روس حمله به

اوسوتس (Ossovietz) و ایجاد رخنه بین آن و گرودنو (Grodno) بود .
لذا در آغاز تعرض بسمت شرق فرماندهی آلمان نخست $\frac{1}{4}$ سپاه و بعد قسمتهای
تازه وارد و توپخانه محاصره را برای حمله به اوسوتس (Ossovietz) به جبهه
اوسوتس - لومزا (Ossovietz-Lomja) اعزام داشت .

از طرف دیگر قوای مهمی از سمت «ملاوا» بجانب ورشو روانه شد .
بدین طریق ، تقسیم بندی طرفین بتصادفات «درد و سمت» یعنی در جانب «اوسوتس
و پراسنیش» (Prasnysz) منجر میگردد ضمناً در مرحله اول عملیات فوق قوا
با آلمانیها بود ، ولی از ماه مارس روسها برتری را حائز گشتند .

کوششهای تعرضی آلمانیها در نزدیکی «اوسوتس» با بمباردمانت قلعه ، که
چندان مؤثر نبود ، و تصادم غیر قطعی با گارد روس ، که از جانب «لمزا» پیش
میرفت ، خاتمه یافت . موقعیکه وضعیت آلمانیها در ناحیه ملاوا - پراسنیش (Mlawa-
Prasnysz) خطرناک شد آنوقت ارتشهای خود را از طرف «اوسوتس» عقب بردند .
مقارن ۲۰ فوریه تعرض گروه نیرومند آلمان از «ملاوا» بسمت جنوب شروع
شد و روز ۲۵ فوریه «پراسنیش» را تصرف کردند .

ولی روز ۲۷ فوریه سپاههای تازه وارد ارتش یکم روس در آنحدود قوای
ژنرال گالویس (Gallwitz) را درهم شکسته و «پراسنیش» را پس گرفتند .
در آغاز ماه مارس تمرکز و تقسیم بندی ارتشهای روس خاتمه یافت و اینک
میتوانستند نه فقط در سمت «نارو» بلکه از سمت «نمان» نیز مبادرت بتعرض
ممایند .

برای تعیین هدف تعرض بین فرماندهان عالی مقام روس ، مطابق معمول ، اختلاف
نظر حاصل شد . ژنرال روزسکی در نظر داشت که بوسیله تعرض از سمت جنوب
و شرق تمام پروس شرقی را متصرف شود . مرکز فرماندهی کل ، که همواره منظور
اساسیش تعرض بمرکز آلمان بود ، در این مورد تصمیم گرفت که بعقب راندن
دشمن بداخل پروس شرقی و مراقبت او اکتفا کرده و در ساحل چپ «ویستول»



آتشبار ده سانیتری آلمان مشغول تیر اطاری است

(مقاله صفحه ۲۶۰)

اقدام بتمرکز قوا جهت عملیات جنگی تابستانی نماید ، یعنی برای موقعیکه ارتشهای روس تکمیل شده و مهاجمان را که متفقین وعده کرده بودند واصل میگرددند . در نیمه ماه مارس مقصود پیرا که روسها در نظر گرفته بودند انجام شد و ارتشهای روس تقریباً در خط «نا اُورگن - سووالکی - اوگوستوو - کولنو - ملاوا - لپنوه» استقرار یافتند . محاربات تدریجاً ساکت شد و جنگ در سرحد پروس شرقی بصورت موضعی در آمد .

نتیجه

عملیات خونینی که بیش از يك ماه دوام داشت متضمن چه نتایجی بود ؟ آلمانها از عملیات روسها برای تصرف پروس شرقی جلوگیری نموده و يك سپاه روس را اسیر کردند ، موفقیت آنها بهمین اندازه محدود گردید . مقاصد وسیع آلمانها برای درهم شکستن نیروی روس ، و ادامه تعرض آنها ، بطوریکه «موزر» مینویسد ، در سمت گروودنو - لیدا (Grodno-Lida) ، و یا بطوریکه لودندرف میگوید ، در سمت گروودنو - اوسوویتس (Grodno-Ossovietz) عقیم ماند . در عین حال وضعیت خیلی مساعدی برای هیندنبورگ پیش آمده بود چه موقعیکه سه سپاه ارتش ۱۰ آلمان به کالواریا و سین (Kalvaria-Sein) رسیدند ، رود «نمان» برای آنها مکشوف بود ، و مدتی هم که برای رسیدن به اُراانا (Orana) از طریق «اُلتا - مرچ» لازم بود پیش از مدتی که جهت رسیدن به «لیپسک» (Lipsk) ضرورت داشت نبود .

در صورت توفیق یافتن عملیات مزبور ممکن بود نتایج مهمی عاید فرماندهی آلمان گردد ، مخصوصاً با آن اهمیت خاصی که فرماندهی روس نسبت بخطه «نمان» ابراز میداشت . معلوم نیست ، باینکه آلمانها اصولاً از ابراز تهور و جارت خودداری نداشتند ، و خطر عبور از «نمان» نیز برای آنها پیش از مخاطره تعرض بداخل کیسه بین جنگلهای اوگوستوو (Augustowo) و قلعه گروودنو (Grodno) نبود مهندنا چگونه باین عملیات مبادرت نکردند ؟

ژنرالهای آلمان ، که بر طبق «اصول شلیفن» یعنی روی اصل بستن دایره

محاصره ، ورزیده شده بودند ، فکر استراتژیکی آنها دارای انعطاف نبود ، که ایشانرا قادر با استفاده از موقع مساعد سازد .

ژنرالهای مزبور محاصره سپاه روس را نسبت بواژگون ساختن احتمالی تمام وضعیت جناح راست روسها ترجیح دادند .

عملیات هیندنبورگ نسبت بمنافع کالی متفقین بلاشک مفید واقع گردید ، چه آن عملیات جلب چندین سپاه آلمان را از جبهه غرب بشرق موجب شد در صورتیکه حضور آن سپاهها در آغاز سال ۱۹۱۵ میتوانست در غرب وضعیت را اساساً بنفع آلمانها تغییر دهد .

بدین طریق ، ثمره آن عملیات عاید انگلیسها و فرانسویها شد .

عملیات در کارپات (نقشه شماره ۲۰)

اگر در شمال جبهه روس فرماندهی آلمان دارای افکار وسیع استراتژیکی بود ، در جنوب هم ژنرال ایوواف فرمانده جبهه دارای همان افکار بود .

ژنرال ایوواف در جبهه خود ، در ساحل راست «ویستول» ، قریب ۳۰ لشکر داشت ، اطریشیها در مقابل او ۳۴ لشکر داشتند که قوای امدادی نیرومندی از صحنه صربستان ، و قوای آلمان از سمت «ویستول» بآن علاوه میگردد . ژنرال ایوواف مصمم شد در ماه فوریه با ارتشی که لباس و تجهیزات کاملی نداشت و از حیث مهمات نیز کسورات زیادی داشت ، بماوراء کارپات و چانگه مجارستان اقدام بامرض نماید

ژنرال مزبور برای نخستین مأموریت ارتشهای خود تصرف خط ذیل را تعیین کرد :

از دو مایونس (Dunajec) ناساندنس (Sandec) - ابریش (Eperjes) - کاشاتو - اویگل - چاپ - خوست - سبکت - سرحد رومانی ، بدین طریق ، مأموریت فوق که در زمستان برای عبور از کوههای کارپات مقرر شده بود در جبهه ای بامتداد ۴۰۰ کیلومتر اجرا میشد .

راست است ، ژنرال ایواف بمرکز کل فرماندهی پیشنهاد میکرد که ارتشهای او را تقویت کنند و از عملیات در بروس شرقی نیز بکلی صرف نظر شود چه بعقبه او بایستی از طریق وینه (Vienne) برلن دست یافت ، ولی موقعی هم که گراندوک تقاضای او را رد کرد معهذا ژنرال ایواف ، صمم شد که نقشه منظور را بوسیله قوای موجوده خویش بموقع اجرا گذارد . علت این تصمیم در اثر وضعیت مشکلی بود که ارتشهای روس در کارپات بدان دچار شده بودند زیرا آنها مجبور بودند یا بجنگه مجارستان سرازیر شوند و یا بکلی عقب بنشینند . ژنرال ایواف شق اول را اتخاذ کرد .

راجع باین نقشه ایواف مشکل است اظهار نظر نمود زیرا مطابق اطلاعاتیکه بوسیله اکتشاف بدست آورده بود در جبهه مقابل او ۳۴ لشکر وجود داشت در صورتیکه با ارتشهای آلمان و قواییکه از صحنه صربستان انتقال یافته بود میزان نیروی دشمن بمراتب بیش از آن بود . با آن کیفیات ، عبور از گردنه های کارپات در جبهه ۴۰۰ کیلو متری فقط در صورت تعاقب دشمنی که بکلی متلاشی شده بود امکان پذیر بود . ولی عملیات قبلی این منظور را تأمین نمیکرد چه اطریشها لطمه ای دیده بودند ولی متلاشی نشده بودند .

بدین طریق ، نقشه تعرضی ایواف را میتوان يك عمل متهورانه بی اساسی فرض نمود و یا اقدامی برای اجرای منویات گراندوک نیکلا فرمانده کل تصور نمود ، چه گراندوک مزبور بتعرض فوق العاده علاقمند بود .

ولی ، بصورتیکه از تطبیق نقشه های طرفین بره باید ، مقدر نبود که تعرض رو-ها بماوراء کارپات عملی شود . چه متحدین در آنحدود نیروی خود را به ۵۳ لشکر رسانده و خود بتعرض مبادرت نمودند و بجناح چپ ضعیف ایواف بوسیله جناح راست نیرومند خود بین استیر (Styr) و دنستر (Dniestre) تجاوز نمودند .

در مدت ماههای ژانویه ، فوریه و مارس ارتشهای روس در قسمت مرکزی ، بین دوکلا و سانک ، (Sanok) با اشکال زیاد پیش میرفتند ، در ناحیه «اوژک» (Ujok) و « نژنه و ردنسک » حمله اطریشها بقدری شدید بود که ارتشهای روس

بزحمت در مقابل آن مقاومت میکردند.

بالاخره در انتهای جناح چپ روسها قوای ضعیف روس مجبور شد تا ۲۰ مارس تدریجاً از جبهه نادور نایا - ککریلی بابا (Nadworna-Kirlibaba) بجبهه استانیسلاو - بژنیوو - زالشیچکی ، تحت فشار و تعاقب نزدیک دشمن نیرومند عقب نشینی کند .

بدینعاریق ، وضعیت جناح چپ جبهه جنوب غرب روس و د لامبرگ ، در مخاطره واقع گردید . ایوانوف از جناح راست خود قریب ۲ سپاه با ستاد ارتش ۹ باین حدود سوق داد و تعرض بعدی اطربشها در ۲۰ مارس تقریباً در جبهه استری - استانیسلاو - زالشیچکی - چرنوئوتسی ، متوقف گردید ، بین د ویستول ، و استری ، طرفین تقریباً وضعیتی را که در ماه دسامبر دارا بودند محفوظ داشتند .

در ۲۲ مارس قلعه پرمیشل (Przemysl) سقوط کرد و وضعیت جبهه جنوب غرب برای طرفین مستقر گردید .

در این عملیات ، مجدداً ارتش اطربش نشان داد که حتی با داشتن تفوق عددی فوق العاده هم استعداد انجام مأموریت عامی را دارا نیست . مجدداً نقشه لودندرف - هتسندرف در هر دو جناح واژگون گردید .

جبهه قفقاز

در ماه نوامبر ۱۹۱۴ ، بطوریکه مسبقاً ، دولت عثمانی در صف متحدین داخل جنگ شد . این موضوع عملیات جدیدی را در داردانل (Dardanelles) ، دریای سیاه ، قفقاز و ناحدی در ایران ، و در آسیای صغیر باعث میگردد .

جنگ با دشمن جدید طبعاً يك قسمت از نیروی روس را از صحنه های اصلی منحرف میساخت ، ولی از طرف دیگر جنگ مزبور نیل روسیه را در موقع انعقاد صلح بنحیث اراضی ، که جزو آمال اقتصادی و ملی آن دولت بود ، تسهیل میکرد .

بنا بمرايب فوق صحنه قفقاز که صحنه فرعی بود برای منافع روسیه اهمیت زیادی داشت ، بعلاوه مبارزه برای تحصیل نفوذ در ایران ، و منافع مشترکی که روسیه و متفقین او در آسیای صغیر داشتند و امکان تشریک مساعی نیروی متفقین در آنجا بر اهمیت صحنه مزبور میافزود .

جنگ در صحنه آسیائی برای طرفین در وضعیت غیر مساعدی از لحاظ جاده ها و حمل و نقل صورت میگرفت : چه اراضی صحنه مزبور کوهستانی بوده و خطوط آهن هم جزئی و از میدان عملیات چندین صد کیلومتر دور بود . بدین جهت دریای سیاه کسب اهمیت فوق العاده نموده بود .

نقشه ها و تقسیم بندی نیروی طرفین (نقشه شماره ۲۱)

با وجود آنکه روسیه يك قسمت قوای قفقاز را بصحنه غرب اعزام داشته بود ، باز هم دولت مزبور تصمیم گرفت که بر ضد عثمانی به جنگ تعرضی پردازد . ارتش قفقاز مطابق با دو سمت اصلی عملیاتی : (۱ . قارص - ارضروم ، ۲ . ایروان - آالشگرد) بدو گروه تمرکز یافت . قسمت بیشتر قوا (قریب ۶ لشکر) در ناحیه قارص تمرکز پیدا کرد که سه ربع آن بین 'التی (Olty) و صاری قامیش مجتمع گردید ، بقیه قوا مأمور پوشش راههای قابل استفاده تا ساحل دریای سیاه شدند ، قسمت کوچکتر (قریب ۲ لشکر با عده زیادی - وار) در ناحیه ایروان برای پوشش سمت ایروان - آالشگرد ، جاوگیری از تشکیل قوای 'کرد و ممانعت از نفوذ خصمانه آلمان در ایران تخصیص یافت . ارتش قفقاز از حیث سوار نظام بیشتر توانا بود . ارتش مزبور جمعاً به صد گردان پیاده ، ۱۷۵ اسواران و ۳۰۰ توپ بالغ میگردد .

دفاع سواحل دریای سیاه و جلوگیری از پیاده شدن دشمن در آنجا بعهده اوگان دریای مزبور واگذار گردید .

تمرکز نیروی عثمانی (نقشه شماره ۲۱)

تمرکز نیروی عثمانی بترتیب ذیل انجام گرفت :

ارتشهای ۱-۲-۵ : کلیه بالغ بر ۲۶۶ گردان در ناحیه اسلامبول و طرفین

بغازها ، بین آدرنه (Andrinople) ، اسلامبول ، ارگلی (Eregli) ، ازمیر ،
و داردانل تمرکز یافت .

سایر ارتشها بطریق ذیل تقسیم شدند :

ارتش ۳ : ۱۹۰ گردان ، بر ضد قفقاز و قسمت شمال ایران ، از ساحل

دریای سیاه تا موصل ، ولی تقریباً تمام قوای در جناح چپ برابر جبهه روس (قفقاز)
قرار دادند .

ارتش بین النهرین : ۲۴ گردان بین بغداد و خابج فارس .

ارتش عربستان : ۳۴ گردان ، در ساحل شرقی بحرا حمر ، از مدینه تا عدن .

ارتش ۴ : ۲۳ گردان ، در ساحل مدیترانه ، در فلسطین و شامات .

بدین طریق ، از ۵۳۷ گردان ، ۴۵۶ گردان در شمال کنار بغازها و سمت قفقاز
تمرکز یافت ، ضمناً مطابق جریان جنگ گروه اسلامبول قوای احتیاط وسیعی را
برای هر دو جبهه تشکیل میداد . ولی ، فقدان خطوط آهن نقل و انتقال سریع
این قوای احتیاط را از جبهه ای بجهه دیگر مشکل میساخت .

عثمانیها در برابر جبهه روس دارای ۳ سپاه بودند (۸۱ گردان ، ۳۵ اسواران
و ۲۰۸ توپ) ، نزدیکترین قوای احتیاطی آنها نیز عبارت بود از دو سپاه (۲۴
گردان ، ۱۰ اسواران و ۱۲۶ توپ) . بعلاوه ، پس از اعلان تجهیزات عمومی
در نواحی سرحدی اقدام بتشکیل ۱۳۵ اسواران نمودند .

عثمانیها نیز مصمم گردیدند که در جبهه روس بعمليات عامل بردازند ، و
ضربت اصلی را به « قارص » و ضربت فرعی را به « آلتی » وارد سازند ، لذا قوای
خود را برابر نقاط مذکور تمرکز دادند .

بدین طریق ، در آغاز جنگ قوای طرفین تقریباً مساوی بود ، ولی عثمانیها در نزدیکی جبهه قوای احتیاطی نیرومندی داشتند . در صورتی که روسها فاقد آن بودند .

مأموریت‌های نخستین قسمتهای قوای روس از قرار ذیل بود : (نقشه شماره ۲۲)
قوای قارص و آلتی - تعرض بسمت ارضروم ،

قوای قاغیزمان (Kaghizman) - تصرف الشگرد و قارا کلیسا (Karaklis)
بمنظور جدا ساختن گروه ارضروم از گروه بایزید .

بقیه قسمتها مأمور پوشش سرحدات گردیدند . ضعف ترین قسمت جبهه روس سواحل دریای سیاه و آذربایجان ایران بود ، چه در آذربایجان مانند سایر نقاط شمالی ایران تبلیغات شدیدی بر ضد روسیه جریان داشت ، خصوصاً برای شوراندن افراد بر ضد ارتش روس .

جریان عملیات

عملیات جنگی در قفقاز بلافاصله پس از اعلان جنگ از طرف عثمانی در ماه نوامبر ۱۹۱۴ شروع شد . قسمتهای روس قوای قارص اقدام بتعرض جدی نموده و مقارن ۶ نوامبر قارا در بند (Kara-Derbend) را که رابط بین خطوط ارضروم و الشگرد بود تصرف کردند ، و نیز موضع کپری کوی (Kepri-Kei) را که در فاصله مساوی بین سرحد روس و ارضروم واقع و مرکز بهترین راههای صحنه ارمنستان بود تصرف در آوردند . این پیشرفت فوق العاده ارتش روس ارضروم را که هنوز برای دفاع آماده نبود دچار مخاطره میساخت ، لذا عثمانیها در جمع آوری قوای احتیاط برای عقب راندن روسها ، جدیت فوق العاده ای بعمل آوردند .

در نتیجه محاربات خونین قوای روس در ۱۳ نوامبر به خط : دعای کلیسا - آرڈس - خوروسان ، عقب نشست ، ضمناً مرکز قوای برتر عثمانی را مقابل خود کشف کرد ، این موضوع باعث شد که روسها نیز قوای خود را در سمت ارضروم تقویت کنند و

آخرین قوای احتیاطی استراتژیکی خویش را قبل از موقع بمصرف رسانند .
در سمت «آلشگرد» روسها توانستند که در گردنه‌های عمده مواقع خود را
مستحکم نموده ، پشت سر و پهلوئی چپ قوای «صاری قامیش» ، و نواحی سرحدی را
در مقابل تهاجم دستجات اکراد پیوسته نمایند .
عملیات قوای «آلنی» ، که پهلوئی راست سمت «صاری قامیش» را تأمین میکرد
به پیشرفت تا «اید» (Id) منجر گردید و لشکر عثمانی را که در این سمت مشغول
تعرض بود بسمت «بار» (Bar) عقب رانند .

عملیات صاری قامیش

تا ماه دسامبر روسها عملیات را موقوف کرده و بمناسبت فصل زمستان در منازل
متوقف گردیدند . ولی ، انور پاشا ، که از شاگردان دانشگاه جنگ آلمان بود ،
شخصاً بارتش ۳ عثمانی ، که با روسها در جنگ بودند ، وارد شد و تصمیم گرفت
که روسها را در نزدیکی «صاری قامیش» (Sary-Kamysch) بطرز «کان
شلیفن» محاصره کند . عدم اطلاع روسها از قوای دشمن و تمرکز قریب دو ثلث
نیروی آنها هنگام عملیات «کپری کوی» در نزدیکی «صاری قامیش» ، زمینه مساعدی را
برای اجرای نقشه عثمانیها فراهم ساخت .

نقشه انور پاشا عبارت بود از تعرض سپاه ۱۱ از جبهه بجانب «صاری قامیش» ،
ضمناً بنا بود سپاه مزبور در صورتیکه مورد حمله روسها واقع شود بسمت جنوب
برگشته و قوای عمده دشمن را بعقب خود جاب کند . سپاههای ۹ و ۱۰ قرار بود
که سمت «آلنی» پیش رفته و با رفتن بعقب سر «صاری قامیش» ارتباط روسها
را با قارص قطع نمایند . در سمت چپ قوای «آلنی» قسمتهای سپاه بکه - ا - لاجبول
(۱۱ - ۱۲ هزار نفر) مأمور عملیات بودند و قرار بود ، با استفاده از طغیان و
قیام اهالی بومی ناحیه باطوه ، بحرکت دورانی در سمت «اردهان» ببادرت
نمایند . در مشرق «صاری قامیش» ، بنا بود که دایره محاصره را دستجات
اکراد ببندند .

اساس مانور مزبور را عثمانیها بر روی سرعت و اختفاء قرار داده بودند ،
لذا از سپاههای ۹ و ۱۰ بنه های آنها گرفته شد و آذوقه آنها از طرف اهالی مسلمان
تأمین میگردد .

روز ۲۱ د-ا-بر عثمانیها عملیات خود را با تعرض سریع بسمت «اُلتی» و با حمله
بقوای عمده روس که بین «گریاک» و یوزورن (Youz-Veran) اشغال موضع
نموده بودند شروع کردند .

در موقعیکه روسها حملات عثمانیها را در موضع مزبور بسهولت دفع کردند و
روز ۲۲ بموضع مقدم آنها پیش رفتند ، تعرض انور پاشا با احاطه جناح راست
روسها ادامه داشت ، با وجود آن فصل -ال در آن اراضی کوهستانی با کمال
سرعت مشغول پیشروی بودند . روز ۲۳ «اُلتی» ، روز ۲۴ پنیاک (Peniak) و روز
۲۵ «آردهان» را اشغال کردند ، ضمناً عثمانیها قوای ضعیفی بطور حائل در سمت
شمال قرار داده ، و تمام قوا را بطرف «صاری قایش» سوق میدادند ، بالاخره
«صاری قایش» رواجش با «قارص» قطع شد و از همه طرف در محاصره واقع
گردید . وای ارتش قفقاز (بالغ بر ۸۰ گردان با قوای امدادی) ، درحالیکه هیچ
شکستی ندیده بود ، در جنوب آن نقطه واقع بوده و برای نجات خود چاره ای جز
فتح نداشت ، بالاخره هم ارتش مزبور بفتح نائل گردید .

هنگامیکه قوای پهلوی روسها که بوسیله ساخا و های جزئی «قارص» - آردهان
به آخالسیخ تقویت شده بود ، از ۲۷ دسامبر تدریجاً شروع بعقب راندن عثمانیها
بجانب «اُلتی» و قطع راه عقب نشینی سپاههای ۹ و ۱۰ آنها نمودند . نیروی
عمده روس در جنوب «صاری قایش» ، که تحت پوشش قوای جزئی از سمت
جنوب واقع بود ، بانمام نوده خود از جبهه «قارا اورگان» - صاری قایش ، سپاههای
۹ و ۱۰ عثمانی در سمت «باردوس» حمله ور شدند . در آن حدود محاربات شدیدی که
با حملات سر نیزه توأم بود مدت یک هفته ادامه داشت ، بالاخره در ۶ و ۵ ژانویه ژنرال بودنیچ
(loudenitch) یک سپاه عثمانی را اسیر کرد و سپاه دیگر را درهم شکست .

متعاقب آن روسها شروع بتعاقب عثمانیها و تنظیم خط جبهه و مبارزه با طغیان

اهالی محل نمودند عثمانیها در حینی که به ارض روم نزدیک میشدند قوای امدادی جدیدی تحصیل کرده و به عملات متقابل شدیدی، با قدرت مینمودند، که بالتیجه توانستند از پیشرفت روسها بجانب آن قلعه چه از سمت «صاری قامیش» و چه از سمت اُلتی، جلوگیری بعمل آورند.

در این مرحله جدال، مهمترین ناحیه از لحاظ سیاسی حدود ایران بین دریاچه رضائیه و دریای خزر بود، چه در آنجا عثمانیها از طرف مبلغین آلمانی و اکراد پشتیبانی شده و نخست پیشرفتی هم حاصل نمودند و حتی شهر تبریز را نیز اشغال کردند ولی روسها بزودی آنها را از شهر مزبور خارج ساختند.

وضع خطرناک قفقاز مرکز فرماندهی روس را بر آن داشت که هنگام بحران «صاری قامیش» قسمتی از قوای جدید تشکیل قزاق را با آن حدود گسیل دارد، بدینعلت بقیه قوای روسها نیز در آن حدود علاوه شد.

مقارن اول آوریل ارتش روس بالغ بر ۱۵۳ گردان (باستثنای ۶۰ گردانی که در پشت سر جبهه حفظ قفقاز نگاهداشته شده بود) بین دریای سیاه و دریای خزر در جبهه ذیل مستقر گردیده بود: آرخواه (Arkhave) - ملو (Melo) خوروسان (Khorossan) - قارا کلیسا (Karaklis) - دیادین (Diadine) خوی - دیامقان - دریاچه رضائیه - تبریز.

قسمت بیشتر نیروی فوق در سمتهای «اُلتی» - قارص - ایروان، تمرکز یافته بود.

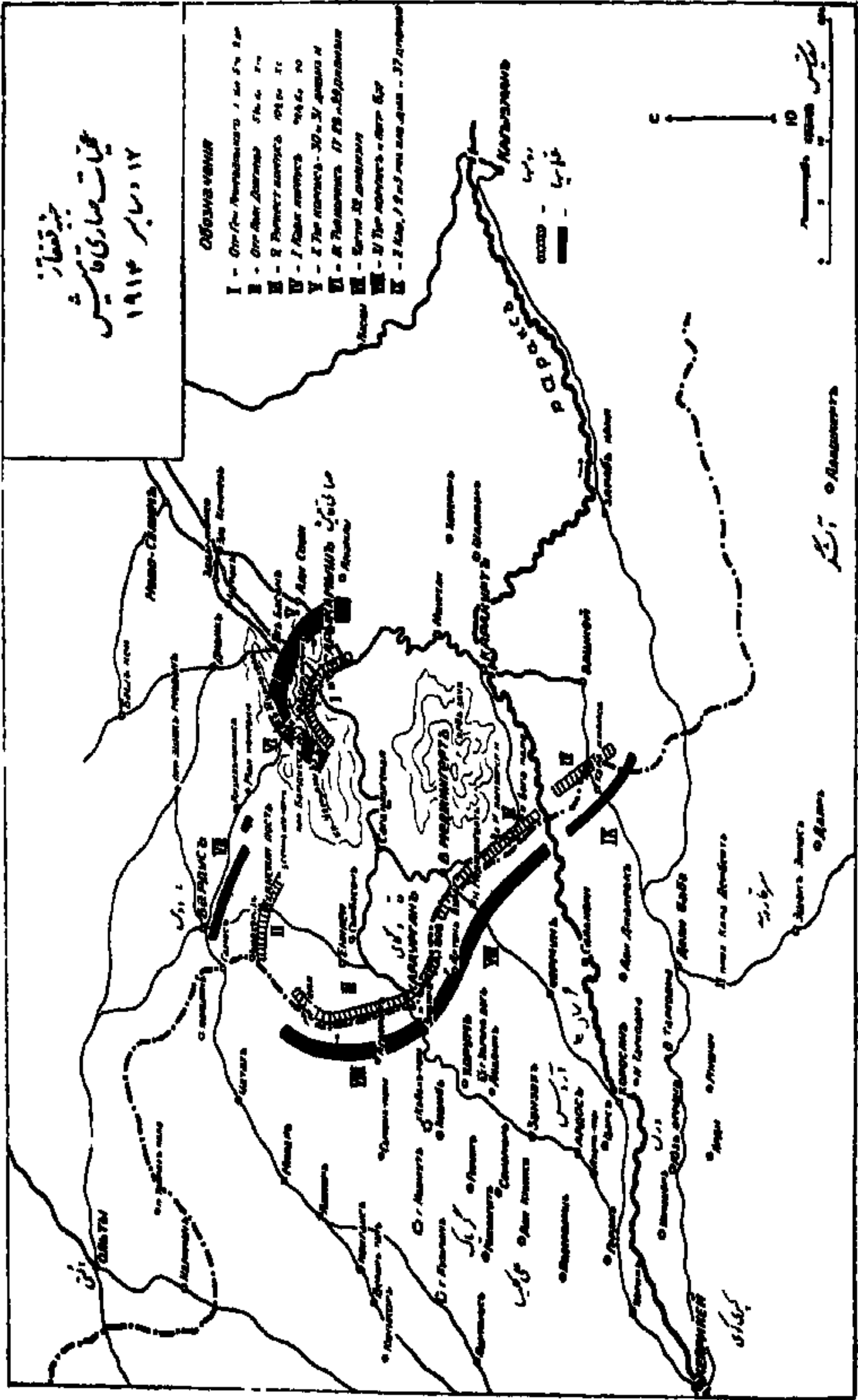
عثمانیها به ابر جبهه روس قرار گرفته بودند و نیروی آنها عبارت بود از ۱۷۵ گردان و از دستجات اکراد، سلاح، قسمت بیشتر نیروی فوق نیز در سمتهای قارص و ایروان تمرکز یافته به علاوه قوای احتیاطی مهمی را (قریب ۶۰ گردان) در ارض روم قرار داده بودند.

نذیجه

عملیات «صاری قامیش» نه فقط برای روسیه اهمیت زیادی را در برداشت بلکه

جہڑ قلعہ
 عقیقات صدارتی تاقیس
 ۱۷ دسامبر ۱۹۱۴

- ОБОЗНАЧЕНИЯ
- I - Отр-го Пункта 1 до 5 км
 - II - Отр-го Пункта 5 до 10 км
 - III - 2 Пункта 10 до 15 км
 - IV - 1 Пункт 15 до 20 км
 - V - 2 Пункта 20 до 30 км
 - VI - 1 Пункт 30 до 40 км
 - VII - 2 Пункта 40 до 50 км
 - VIII - 1 Пункт 50 до 60 км
 - IX - 2 Пункта 60 до 70 км



عملیات مزبور برای کلیه متفقین نیز حائز اهمیت بود:

۱ - موفقیت روسها در قفقاز مستحکم گردید .

۲ - قسمت بیشتر ارتش عثمانی بسمت روسیه انتقال یافت ، و بدینوسیله عملیات دول غربی در شامات و بین النهرین تسهیل گردید .

۳ - جبهه جدیدی تشکیل یافت که متفقین را قادر میساخت در صورت موفقیت نه فقط تمام اراضی آسیای صغیر عثمانی را تصرف کنند بلکه اسلامبول را هم بتصرف در آورند و دول مرکزی را نیز کاملاً در محاصره اقتصادی قرار دهند .

از لحاظ صنعت جنگ مشاهده میشود که روسها جنگ با عثمانی را بدون رعایت اصول صحیحی شروع کردند و بآنواسطه در نزدیکی « صاری قامیش » دچار وضع خطرناکی شدند ، گرچه بالاخره بفتح درخشانی نائل گشتند .

از این حیث عملیات فوق قابل توجه مخصوصی است . اسلوب « کان شلیفن » در این نبرد کاملاً بعدم موفقیت عثمانیها منتهی شد ، ارتش روس که در جبهه « گریاک - بوزورن » تمرکز یافته بود فرصت کرد که جبهه خود را بخط « صاری قامیش - قارا اورگان » (Karaourgan) تغییر دهد و عثمانیها را سخت درهم شکند .

عملیات دریای سیاه

ناوگان روس در دریای سیاه در آغاز جنگ فعالیت زیادی نشان نداد ، و رژیم ناوهای آلمان « گبن » و « برسلاو » با کمال آزادی در آندریا مشغول حرکت بودند .

عملیات ناوگان مزبور در مرحله فوق عبارت بود از بازرسی سواحل آناتولی و نابود ساختن چند کشتی دشمن و گذاردن مین در ناحیه « بو-فور » و بمباردمان بعضی از استحکامات و نقاط ساحلی عثمانی .

صحنه غرب

از همان تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۱۴ ، یعنی در پایان نبرد « فلاندره » ، ژنرال ژفر دو فقره دستور بعنوان ارتشها صادر نمود : یکی دایر بر این بود که خود را آماده نمایند تا بمحض صدور حکم ، تعرض را تجدید کنند ، دیگری متضمن شرایط حرکت تعرضی عمومی . فقره اخیر ~~که~~ قبل از مبادرت بتعرض عمومی بایستی « برای شکافتن جبهه در یکی از نقاط ، فشار شدیدی اعمال گردد ، یعنی فشاری که بمنزله حماه استحکامات بوده و تهیه و تجمع وسایل فوق العاده از حیث نفرات و مهمات را ایجاب نماید » . برای تشکیل قوای احتیاط ، با دستور مزبور مسائل ذیل را مقرر میداشت : اصلاح تسبیقات تدافعی ، دخول افراد طبقه پاسبان در خط جنگ ، بسط جبهه انگلیس راجع بمهمات هم ، دستور مربور مقرر میداشت تا وقتیکه برای هر توبی از ۴۰ تا ۵۰ نفر مهمات موجود باشد و محصول روزانه به ۵۰۰۰۰ فشنگ ۷۵ برسد بحملات جزئی قناعت شود .

روز ۸ دسامبر ، دستوری برای تجدید تعرض مقرر میداشت :

- ۱ - دو حمله اصلی : یکی در ناحیه آراس (Arras) ، در سمت کناپره (Cambrai) (ارتش ۱۰) ، دیگری ، در « شامپانی » در سمت « آنی سی » (Atigny) (ارتش ۴) .

۲ - حملات فرعی ذیل : در سمت وروویک (Werwicq) بوسیله ارتش ۸ و ارتش انگلیس ، بطرف کومبل (Comblus) بوسیله ارتش ۲ ، بین آرگن (Argonne) و « موزه » ، بوسیله ارتش ۳ (پوشش ارتش ۴) ، در سمت نیوکور (Thiaucourt) بوسیله ارتش یکم ، و بوسیله قوای در آلزاس بالا .

در اجرای این حکم ، ارتش ۱۰ روز ۱۷ دسامبر ، پس از تهیه مختصر توپخانه بحمله مبادرت میکند ، ولی موفق نمیشود ، ارتش ۴ ، با موفقیت بیشتری ، در بیستم حمله نموده ، و در جبهه دشمن کیسه ای پهنای ۳ کیلومتر ایجاد میکند ، که آسیبی بموضع اولی وارد میسازد . از تعرضات فرعی هیچ نتیجه عاید نشد ، گاهی هم ، عکس عملهای شدیدی را از طرف دشمن باعث گردید ، منجمه عکس العمل

۸ ژانویه در « آرگن » ، که فرانسویها را تا ۸۰۰ متر عقب راند ، و دیگری عکس العمل روز ۱۲ ، در « سوانسن » ، که فرانسویها را تا شهر عقب نشانده ، آنها در موقعیکه طغیان رودخانه «ان» پلها را در عقب سر فرانسویها خراب میکرد . روز ۲۰ ژانویه ، فرمانده کل فرماندهان ارتشها ابلاغیه ای صادر نمود که در طی آن بعدم موفقیت تعرض اعتراف میکرد ، باستثنای ارتش ۴ ، و مقرر میداشت که حملات در جبهه ارتش ۴ ، تعقیب شود ، در عین حال جدیت شود قوای احتیاط مهمی جمع آوری گردد ، خواه بمنظور استفاده از نتیجه حملات خواه برای شروع حملات دیگری و خواه بقصد جلوگیری از حمله برزگ آلمانها . بعلاوه ، ابلاغیه مزبور بررسی دو تعرض عمده ای را در نظر گرفته بود :

یکی تعرض ارتش ۱۰ با تفاق انگلیسها و دیگری تعرض ارتش یکم ، در وور (Woëvre) (تعرض مرکزی برای محدود کردن حرکت دشمن در سن میهل) . این امر به مقدمه ۳ فقره تعرض عمده ای بود که ارتشهای متفقین در بهار ۱۹۱۵ در جبهه فرانسه بعمل آوردند .

اینک ما بررسی این عملیات میپردازیم ، و مختصات و نتایج هر یک از آنها را تعیین میکنیم .

نبرد شامپانی (فوریه - مارس ۱۹۱۵) (نقشه شماره ۲۳)

روز ۱۶ فوریه ، پس از تهیه عمده توپخانه (که در طی آن توپخانه ۷۵ از راه تخریب سیمهای خار دار آلمان بزرگترین خدمت را انجام داد) ، سپاههای یکم و ۱۷ خطوط اولیه موضع اولی آلمان را از بوسه ژور (Beauséjour) تا « تروبریکو » (Trou-Bricot) از جا کند . در این جبهه ۸ کیلومتری ، آلمانها ناگزیر شدند از اینکه قوای احتیاطی عمده ای از نقاط مختلفه جبهه برداشت کرده مسجلاً بانجا انتقال دهند . فرمانده کل فرانسه روز ۲۲ ، در طی یادداشت شخصی ، خطاب بزرنال « دولانگل » اصرار میورزد برای اینکه ارتش ۴ هر چه زودتر از این موفقیت نتیجه بگیرد . « از لحاظ نظامی نباید پیش آمد عدم موفقیت ، عدم

امکان شکافتن خطوط دشمن را تجسم دهد؛ از لحاظ سیاسی نیز موفقیتی باید که دول مردد بپطرف را بطرف فاتح جلب سازد.

بدین طریق، روز ۲۳، یک سپاه تازه قسی، یعنی سپاه ۲، بنوبه خود بتعمله مبادرت کرده و نقطه ۱۹۶ را تصرف مینماید، با وجود اقدام متقابله آلمانها آنرا محفوظ میدارد.

خلاصه، شکافی که روز نخستین ایجاد شده بود شکاف کاملی نبود، زیرا بعد از اینکه متعاقب هفت روز مبارزه، فرانسویها موفق شدند کاملاً از موضع اول دشمن عبور کنند، شکاف مزبور بقدری کوچک بود که دشمن موفق شد بهسولت آنرا مسدود سازد.

از این بعد ادامه مبارزه بمنزله محاربه ایست که در یک محل محصورى بعمل میآید یعنی در عرصه تنگی که مدافع و مهاجم هر دو بزودی فرسوده میشوند. با وجود تصرفات جدیدی که فرانسویها را، در ۱۲ مارس، تا جاده پرت - سرنه (Perthes-Cernay) رسانیده و نقطه ۱۹۶ را جلوی آنها کاملاً پاک میکنند، فرماندهی کل فراسه عمل را خانمه یافته تلقی مینماید (۱۸ مارس).

در موقعیکه این برد سخت جریان داشت، در نقاط مختلفه جبهه فرانسویها بهحملات محلی میپرداختند برای آنکه دشمن را متوقف ساخته و در عین حال موضعی خود را اصلاح و ترمیم نمایند.

منجمله در آلزاس، فرانسویها موفق بگرفتن « هارتماسو بلر کوپف » (Hartmanswillerkopf) شد (۲۵ فوریه - ۲۶ مارس)؛ و در لرن ارنش یکم برای تصرف ابارژ (Eparges) بمحاربات خونین میپردازد؛ ارتش ۳ دره آرگن، و مقابل دوکوا (Vauquois) که فرانسویها روز ۲۱ فوریه آنرا اشغال کردند، نبرد گیر شد.

انگلیسها هم، بنوبه خود، روز ۱۰ مارس در سمت لابسه (La Bassée) بمحمله پرداخته و نوشاپل (Neuve-Chapelle) را تصرف مینمایند، ولی در مقابل



ارد شاه ائی - حنة ورا - سو

(۱۰۰۰ ۱۰۰۰)

ژیوانشی (Givenchy) شکست میخورند . در همان حال ، ارتش ۸ فرانسه را تعویض کرده و جناح چپ خود را تا « لانژمارک » (Langemark) ادامه میدهند .

نبرد آوریل در وور (Woëvre)

مقصود این عملیات که فرماندهی کل فرانسه در دستور ۲۰ ژانویه پیش بینی کرده بود عبارت از این بود که در آن واحد از دو سمت با ارتفاع سن میهیل (St. Mihiel) متوجه شده و آنرا تصرف نماید . در دستور ۲۶ مارس ، ژنرال ژفر ابلاغ نموده بود که این عمل بایستی « از طریق غافلگیری با اعمال حداکثر قدرت انجام شود و چند روز بعد چنانچه معلوم شود که نتیجه قاطعی بدست نخواهد داد متوقف گردد » .

ژنرال دو بای (Dubail) وسایل ذیل را در اختیار داشت :

در سمت شمال : سپاه ۱ و ۲ (که بنا بود در سمت وُل (Voel) حرکت کرده

و در برابر کنفلانس Conflans خود را بپوشاند) ، و سپاه ۶ (برای اینکه در سمت شایون Chaillon پیشروی نماید) .

در سمت جنوب : سپاه ۱۲ (که قرار بود در سمت تیوکور Thiaucourt

حمله کند .

قوای احتیاطی او عبارت بود از سپاه سوار « کونو » و سپاه ۱۷ .

در این حمله توپخانه سنگین بشرح ذیل در اختیار داشت : ۶ آتشبار ۱۰۵ ، ۴

آتشبار ۱۲۰ ، ۲ آتشبار ۲۳۰ و ۲۰ نوپ ۵۸ .

حمله روز ۵ آوریل شروع شد ، ولی در هوای منقلبی ، که رسیدن قسمت‌ها را

به مبدأ حرکت تسهیل کرده اما عبور از وور (Woëvre) را بکلی ممتنع ساخت .

با این جهت حمله مزبور بعدم موفقیت منتهی شد .

باز در ۹ آوریل حمله تجدید گردید ، ولی توپخانه از حیث مقدار باندازه‌ای

محدود و میدان عملیانش بحدی نامساعد بود که عدم موفقیت دیگری هم نصیب

فرانسویها گردید .

روز ۱۴ آوریل ، فرمانده کل فرانسه حمله را متوقف ساخت و این اقدام

مدلل داشت که تا کنون فقط موفقیت حملاتی که روی اصول منظمی تئسیق شده باشند انحصار دارد و رعایت این اصول فقط بشخص فرماندهی منحصر میباشد ، زیرا : وظیفه مطلق او اینست که بحمله مبادرت نکند مگر اینکه قبلاً تدابیر لازمه‌ای اتخاذ کرده باشد تا حملات وی با آرایش تدافعی دشمن که بخوبی منهدم نشده است ، مصادف نشود . (دستور دهم آوریل) .

روز ۲ آوریل ، آلمانها که قوای احتیاط زیاد برای مقابله با حمله فرانسویها اعزام داشته بودند ، تعرض شدیدی در سمت استحکامات رُزلیه (Rozelie) بسنگر « کالون » (Calonne) اجرا کردند . این تعرض آلمانها ، که فرانسویها را تا « موز علیا » راند ، پایان عملیات « وُور » را نشان میدهد .

قبل از اینکه شرح برد « آرتوا » ، که مرحله سوم حملات بهار است ، بمیان آید بایستی تعرضی را که آلمانها ، در ۲۲ آوریل ، مابین گلوول (Ghéluvelt) و لیزرن (Lizerne) اجرا کردند ، تذکر داده شود : زیرا این تعرض همان است که در طی آن آلمانها برای اولین دفعه با استعمال گازهای سمی مبادرت کردند . این حمله مابین جناح چپ ارتش انگلیس و جناح راست قوای فرانسه (مامور ارتباط بین ارتش بلژیک و جناح چپ قوای انگلیس) ، روی داد . متفقین که از اثرات مرگبار گازهای سمی سخت غافلگیر شده بودند ، ناچار تا چند کیلو متری عقب نشینی کردند ، ولی در روز ۲۳ با ۲ لشکر پیاده نظام بحمله متقابله مبادرت نمودند ، روز ۲۴ ، حمله متقابله عظیمی که ژنرال کسکمک قوای امدادی برداشتی از ارتش ۱۰ و قوای نیوپُرت (Nieuport) طرح ریزی نموده بود ، از جانب متفقین اجرا شده و موفقیت سابق آنها را اعاده داد .

عقب نشینی خط متفقین در مشرق « اپر » سه کیلو متر بالغ گردید . در جنوب این شهر ، متفقین قطعه ۶۰ را از دست دادند .

نبرد آرتوا (۱۰ مه - ژوئن ۱۹۱۵) (نقشه شماره ۲۴)

سومین عملیاتی که فرانسویها بوسیله دستور ۲۰ ژانویه ۱۹۱۵ پیش بینی کرده بودند عبارت از این بود که از راه حفظ ارتباط با ارتش انگلیس حمله‌ای در « آرتوا » اجرا شود .



سنگره آلانها در «استاد»



سنگرهای آلانها در «شامپانی»
(مقابل صفحه ۲۷۶)